#### **نهی از عبادت**

نکات مقدماتی در مبحث اول از نهی از عبادت مطرح شد و در ادامه به اصل موضوع می‌پردازیم:

ما تفاوتی با مشهور در این مسأله داریم و آن اینکه مشهور و بلکه قاطبه اصولیین می‌فرمایند که نهی مستلزم فساد است و اصلاً معقول نیست که در موردی که نهی وارد شده است، عبادت هم تصور پیدا کند؛ نظر مختار این است که بنا بر نظریه اجتماع امر و نهی و اینکه گاهی مصلحت و مفسده متوازن می‎شوند، این امر در عالم ثبوت معقول است و می‌شود که در عملی این اتفاق بیفتد و هر دو حکم با هم جمع شوند. اما بنابر نظر مشهور چنین چیزی معقول نیست و با آمدن نهی، جایی برای امر نیست.

درست است که مولا در اینجا نهی دارد و حتی مصلحت هم پایین‌تر است ولی اگر این عمل را انجام داد این مصلحت و لو به نحو ناقص ، عمل می‌شود و دیگر قابل استیفاء نیست.

#### **تفکیک بحث به دو مقام ثبوت و اثبات:**

#### **مقام ثبوت**

دو عالم برای این بحث متصور است، عالم ثبوت و عالم اثبات؛ در مقام ثبوت دو نظریه است؛ در عالم ثبوت بر اساس نظر مشهور، امر و نهی جمع نمی‌شود حتی در عام و خاص مطلق و اگر هم جمع شود نهایتاً در من وجه است. و نظر دوم اینکه گاهی مصلحت ومفسده متوازن است و می‌شود بدون کسر و انکسار، با هم جمع شوند ، در اینجا دو حیث است و از دو جهت هم مقرب است و هم مبعد .

بیان دیگری برای نظر مشهور مطرح است و آن اینکه عمل، در نهایت یک حکم دارد؛ یا مقرب است و یا مبعّد، اشکال می‌شود که به دلیل تعدد حیثیات در این عمل واحد، وجود دو حکم متعدد مانعی ندارد و این اشکال وارد نخواهد بود.

در نهایت در عالم ثبوت گفته شد که اجتماع امر و نهی با هم در یک مورد تصور دارد، حتی اگر این امر و نهی عام و خاص مطلق باشند و مانعی برای آن نیست، بنابر مقدماتی که از جواز اجتماع امر و نهی بیان شد و مباحثی که در این بحث مطرح گردید.

#### **مقام اثبات**

این بحث مبتنی بر بحث تقدم خاص بر عام و تقدم مقید بر مطلق است که از نظر اصولی گفته شده در عالم ثبوت ملاک‌ها متوازن است و یا یکی دیگری را منتفی می‌کند، اما از نظر اثباتی، در مواردی مصلحت نمی‌تواند با مفسده جمع بشو،د قرینه عقلیه داریم که اینها متوازن نیستند؛ مثل مواردی که نقیضین هستند ولی در غیر اینها قرینه عرفیه داریم که معمولاً خاص مقدم بر عام است و خاص، بساط عام را جمع می‌کند و الا در ثبوت می‌توان در مثل خاص گفت که هر دو جهت است، ولی ظاهر عرفی این است که فقط جهت خاص مقدم می‌شود. از این رو قرینه‌ای بسیار قوی برای مقدم کردن خاص بر عام داریم.

#### **جمع بندی نظر مختار و تفاوت نظر مختار با مشهور**

در عالم ثبوت می‌توان تصویر جمع امر و نهی را با هم کرد، ولی در عالم اثبات باید گفت که ظاهر کلی خاص و عام و یا مقید و مطلق به قرینه عرف این است که باید خاص مقدم شود و جایی برای عام نمی‌ماند. ولی این حالت همیشگی نیست و این تفاوت قول مختار با مشهور است. البته برای مواردی که این اجتماع ممکن است قرینه می‌خواهد و مثلاً در مثل «لا تصل فی الحمام» دلیل یقینی دارد که این عبادت منقصت دارد و نیز اینکه نهی تنزیهی و نه تحریمی با کل امر تقابل نمی‌یابد.

این بحث اگر پذیرفته شود و نکته مورد تأکید در قول مختار اگر مبنا شود، در هر موردی از موارد خاص و عام و یا مطلق و مقید، احتمال دارد که این حالت خاص و عام و یا مطلق و مقید شدن، ناشی از اجتماع امر و نهی در مورد خاص باشد.

در نکات مقدماتی اشاره شد که آیا این بحث یک بحث عقلی است یا لفظی و شاهد اینکه این بحث هم می‌تواند عقلی و هم لفظی باشد، اینکه در این مورد مصداق یافت شده و در مواردی از این مسأله، عقلاً حکم داده شد و در مواردی دیگر، عرفاً تعیین تکلیف شد.